

چگونگی نزول قرآن از دیدگاه قرآن

<?xml encoding="UTF-8">

مقدمه

قرآن کریم، بهترین و زیباترین کلامی است که خداوند حکیم نازل کرده است. قرآن، ماندگارترین اثر وحیانی است که از ملکوت آسمان بر زمین فرود آمده و عظیم ترین و کامل ترین، دین را برای بشریت به ارمغان آورده است. یکی از محورهای مهم مباحث علوم قرآنی، بحث نزول قرآن، چگونگی آن، زمان و مدت نزول، انواع و مراتب نزول قرآن است. بعد از بیان چند بحث مقدماتی به بحث نزول قرآن، می پردازیم.

1. اولین آیه و سوره نازل شده

درباره این که، کدام آیه یا سوره، برای اولین بار بر پیامبر (ص) نازل شده در میان صاحب نظران، اختلاف نظر وجود دارد. در این زمینه چهار نظر بیان شده است:

الف: آیات سه یا پنج ابتدای سوره علق؛

ب: آیه اول سوره مدثر؛

ج: آیه بسم الله الرحمن الرحيم؛

د: سوره حمد.

2. آخرین آیه و سوره

در بسیاری از روایات آمده است: آخرین آیه ای که بر پیامبر نازل شد، آیه 281 سوره بقره بود. برخی دیگر گفته اند: آخرین آیه، آیه اکمال دین (مائده / 3) می باشد. درباره آخرین سوره نیز بین دو سوره نصر و براءت، اختلاف نظر هست، هر چند سوره نصر، که در سال فتح مکه (هشتم هجری) نازل شده است، از قوت بیشتری برخوردار است. زیرا فقط آیات نخستین سوره براءت، پس از فتح مکه (سال نهم) نازل شده است.

3. زمان نزول آیات

آنچه از آیات قرآن به دست می آید، بیانگر نزول قرآن در شبی از شب های ماه مبارک رمضان است:

1. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره / 185)

2. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَرَّكَةٍ» (دخان / 3)

3. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر / 1)

از آیه اول بدست می آید که قرآن در ماه رمضان نازل شده است. از آیه دوم می توان دریافت که این نزول، در یک شب مبارکی انجام گرفته است. با توجه به این دو آیه، روشن می شود که این شب مبارک، یکی از شب های ماه رمضان است. در آیه سوم، خداوند می فرماید: «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.» از ضمیمه این سه آیه، می

توان چنین نتیجه گرفت: در ماه رمضان، شب بابرکتی به نام شب قدر، وجود دارد که قرآن در آن شب، نازل شده است. در ضمن روشن است که آن شب عظیم، یک شب است و نه چند شب. بنابراین، زمان نزول قرآن، در یک شب قدر از شب های ماه رمضان می باشد.

سؤالی که در این جا، قابل طرح است، اینکه: شب قدر، کدام یک از شب های این ماه مبارک رمضان است؟ در این زمینه، آیات قرآن، بیانی ندارند. در روایات نیز، شب های مختلفی، به عنوان شب قدر، معرفی شده است. از جمله: شب نیمه شعبان، شب اول، هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم، بیست و چهارم، بیست و پنجم و بیست و هفتم ماه رمضان. با توجه به روایات این باب، شب های بیست و یک و بیست و سه، از تأکید بیشتری برخوردار می باشد. از امام صادق (ع) سؤال شد، شب قدر کدام شب است؟ فرمودند: «آن را در یکی از دو شب بیست و یک و بیست و سه، جستجو کن».

زاره از امام صادق (ع) روایت کرده است که حضرت فرمود: «شب نوزدهم، شب تقدیر، شب بیست و یکم شب تعیین و شب بیست و سوم، شب ختم و امضای امر است.»

بنابراین در نزد شیعه، شب قدر در میان یکی از دو شب بیست و یک و بیست و سه، مورد تردید است. هرچند با توجه به برخی از روایات دیگر، شب بیست و سوم، دارای قوت بیشتری است. شیخ صدوق می گوید: «مشایخ ما اتفاق نظر دارند که شب قدر، شب 23 ماه رمضان است.» با توجه به این سخن، نزول قرآن در یکی از دو شب بیست و یک یا بیست و سه ماه رمضان، واقع شده است.

4. رابطه نزول قرآن با بعثت پیامبر (ص)

سؤالی که قابل طرح است، اینکه: چگونه قرآن در شب قدر ماه رمضان، نازل شده است. در حالی که بعثت پیامبر، بنابر قول مشهور، در بیست و هفت رجب بوده است؟ به عبارت دیگر: آیا بعثت پیامبر همزمان با نزول قرآن در ماه رمضان بوده است؟ ابتدا باید روشن شود که پیامبر در هنگام بعثت، چند سال داشته اند. دیدگاه های مختلفی در این باره، وجود دارد. در بسیاری از روایات، سنّ شریف آن حضرت، 40 سال، و در برخی دیگر از روایات، 43 سال ذکر شده است. البته با توجه به دلایل، قرائن و شواهد مختلف، قول چهل سالگی ترجیح دارد.

هم چنین درباره زمان بعثت، سه احتمال داده شده است: الف: یازدهم و دوازدهم ربیع الاول سال چهارم عام الفیل. ب: بیست و هفتم رجب. ج: ماه مبارک رمضان.

از میان روایاتی که بیانگر این سه دیدگاه است، روایاتی که ماه رجب را ماه بعثت آن حضرت می دانند، بر دیگر روایات ترجیح داده می شود: این ترجیح به دلیل زیر می باشد: 1- درباره ماه رجب، سیزده روایت وجود دارد؛ در حالی که درباره ربیع الاول بیش از سه روایت و درباره بعثت آن حضرت در ماه رمضان، بیش از دو روایت به دست نیامده است. 2- روایات مربوط به ربیع الاول و ماه رمضان، در مورد تاریخ روز بعثت اختلاف دارند؛ در حالی که روایات مربوط به ماه رجب، به اتفاق، روز مبعث را بیست و هفتم رجب می دانند.

به طور کلی درباره همزمانی یا عدم همزمانی آغاز نزول قرآن با شروع بعثت پیامبر (ص) دو دیدگاه در بین صاحب نظران وجود دارد: الف: برخی معتقدند که بعثت پیامبر با نزول پنج آیه نخست سوره علق، آغاز شده است. لذا، زمان بعثت در ماه رمضان خواهد بود.

ب: در مقابل عده ای می گویند که، ابتدا، آن حضرت، در ماه رجب به پیامبری انتخاب شدند، سپس در ماه رمضان، همان سال یا سال بعد، قرآن بر ایشان نازل شد. بنابراین بعثت پیامبر، همزمان با نزول قرآن نبوده است.

5. مراحل نزول قرآن

الف: پیش از نزول: بررسی آیات آغازین سوره های قرآن - که ناظر به چگونگی اوصاف قرآن باشد - نشان می دهد که قرآن پیش از نزول آن، نزد خداوند، در «امّ الکتاب» که همان لوح محفوظ و کتاب مکنون است، دارای اوصافی مانند: علیّ، مبین و حکیم بوده است.

ب: مرحله نزول: قرآن کریم در این مرحله، تفصیل یافته و اوصاف جدیدی به خود گرفته است: «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ»، «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ» و «لِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ». در این مرحله، هدف از نزول قرآن، قراءت، تلاوت، ابلاغ، هدایت، تعقل، تذکر، شفا، رحمت، تعلّم، اتباع و... می باشد.

این مراحل نزول قرآن، نشانگر ذومراتب بودن آن است. قرآن، کتابی الهی و دارای مراتب مختلف است. مرتبه والای آن، همان امّ الکتاب است که حقیقتی نزد خدای حکیم دارد. مرحله دیگر آن در دست فرشتگان و مرتبه نازل آن در دست مردم و به زبان عربی فصیح و آشکار است.

6. نوع نزول قرآن

درباره واژه نزول و مشتقات آن در قرآن، آیات مختلفی وجود دارد. در برخی از این آیات، نزول قرآن به صورت مطلق ذکر شده است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ» در برخی دیگر، از نزول تدریجی قرآن، سخن رفته است: «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ» و «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا». بنابر ادعا برخی از صاحب نظران، آیاتی از قرآن، اشاره به نزول دفعی و مجموعی قرآن دارند: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ» و «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ»، «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ». دلالت این آیات بر نزول دفعی بدین قرار است:

چون آیات قرآن یک بار به صورت جمعی در شب قدر بر پیامبر نازل شده بود. لذا به هنگام نزول تدریجی آیات، پیامبر عجله می کرد و بر جبریل پیشقدم می شد و آیات را می خواند. این نشان می دهد که آن حضرت، قبل از نزول تدریجی آیات، از قرآن اطلاع داشته است. بنابراین خداوند دستور می دهد که در این کار عجله نکن و چیزی از این قرآن را بر مردم قراءت و تلاوت نکن تا اینکه وقت مناسب ابلاغ و تبلیغ آن برسد.

با توجه به این آیات و آیات مشابه دیگر، درباره نوع نزول قرآن، دیدگاه های متفاوتی در بین صاحب نظران علوم قرآنی مطرح شده است. برخی می گویند قرآن ابتدا به صورت دفعی و یکپارچه در شب قدر از لوح محفوظ بر آسمان دنیا (بیت المعمور یا بیت العزّة) و یا بر قلب پیامبر (ص) نازل شد و از آنجا در طول مدت رسالت آن حضرت، توسط جبریل امین دوباره بر پیامبر، نازل گشته است.

اما عده ای دیگر می گویند که قرآن فقط به صورت تدریجی و در مدت رسالت پیامبر اسلام، به تناسب شرایط زمانی و مکانی و وقوع حوادث و رخدادهای گوناگون، در قالب آیه ها و سوره های موجود، نازل شده است. البته در کنار این دو قول مشهور، اقوال مختلف دیگری نیز وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره ای کوتاه می شود. قرآن در بیست یا بیست و سه شب قدر هر سال دوران رسالت، بر آسمان دنیا نازل شده است. یعنی در شب قدر هر سال مدت رسالت پیامبر آن اندازه از قرآن که مورد نیاز آن سال بوده، یک جا بر آن حضرت نازل شده است. سپس همان آیات و سوره ها، به تدریج در طول آن سال، دوباره بر پیامبر توسط فرشته وحی فرود می آمد.

در کنار این اقوال، برخی دیگر، توجیهاتی درباره نزول دفعی قرآن، بیان داشته اند که در این جا به سخن شیخ صدوق و علامه طباطبایی اشاره ای می شود: شیخ صدوق می گوید: منظور از نزول دفعی قرآن بر پیامبر در شب

قدر، علم و آگاهی یافتن آن حضرت به محتوای کلی قرآن است. علامه طباطبایی می فرماید: «قرآن کریم دارای دو وجود است: وجود ظاهری تفصیل یافته در قالب الفاظ و عبارات است. وجود بسیط که از هرگونه تجزیه، تفصیل و الفاظ خالی می باشد. وجود باطنی قرآن، در شب قدر بر قلب آن حضرت نازل شد، سپس به تدریج وجود ظاهری آن، در مدت رسالت پیامبر، نازل گردید.»

منشأ پیدایش دو دیدگاه کلی نزول دفعی و تدریجی قرآن
برخی تصور کرده اند که واژه «انزال» از باب افعال به معنای نزول دفعی است و واژه «تنزیل» از باب تفعیل به معنای نزول تدریجی است. و هم چنین، روایاتی که در آنها به این تفصیل نزول دفعی و تدریجی آمده است، باعث پیدایش این دو دیدگاه شده است.

بررسی واژه انزال و تنزیل در لغت و قرآن: در لغت، هر دو واژه از ماده نزول به معنی فرود آمدن است. در کتب لغت، معنای دفعی، از معانی باب افعال ذکر نشده است. در معانی باب تفعیل، از معنای تکثیر و مبالغه، نام برده شده است. لذا، انزال و تنزیل هر دو متعدی ماده نزول هستند و فرقی باهم ندارند. استفاده معنی دفعی یا تدریجی از آن دو، نیاز به قرینه خاص در هر مورد، دارد.

در آیات قرآن کریم نیز، این دو واژه در معانی متعددی به کار رفته است: در آیات ذیل «انزال» در معنی تدریج استفاده شده است: «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ» (حج/16)، «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (بقره / 22) واژه «تنزیل» در معنی نزول دفعی، به کار رفته است: «لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً» (فرقان / 32)، «تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (واقعه / 80)، «وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (اسراء / 106)

در آیات دیگر، انزال و تنزیل، هر دو به یک معنا استعمال شده اند و آن معنی واحد، مطلق نزول، مورد نظر است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ» (نحل / 44)، «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ» (حجر / 6). اگر در این دو آیه، انزال را به معنی نزول دفعی و «نزل» را به معنی نزول تدریجی بگیریم، ترجمه آیه چنین خواهد شد: «ما قرآن را به طور دفعی بر تو نازل کردیم، تا تو قرآن را که به طور تدریجی نازل شده است برای مردم تفسیر کنی.»؛ و حال آن که این ترجمه صحیح نمی باشد.

با توجه به موارد کاربرد مختلف این دو واژه در قرآن و نیز معانی لغوی آن دو، ادعای نزول دفعی در «انزال» بدون دلیل است و اثبات آن در تمامی موارد استفاده شده در قرآن، کاری بس مشکل می باشد.

لذا، در این واژه ها، معنای دفعی و تدریجی، نیاز به قرینه دارد که در هر آیه باید به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد تا روشن شود که با توجه به قرائن، دلالت بر کدام معنا دارد.

برخی از سؤالاتی که از صاحبان دیدگاه نزول دفعی، باید پرسیده شود این است:

1. چه ضرورتی ایجاب می کرد که قرآن، دو نزول داشته باشد، یکی دفعی و در آسمان، دیگری تدریجی و در زمین، با این که یک نزول، آن هم تدریجی کفایت می کرد؟

2. مراد از بیت العزّة یا بیت المعمور چیست؟

3. بعد از جمله «شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن» می فرماید: «هدى للنّاس» این دلالت دارد که قرآن نازل شده، راهنما و هدایت گر مردم است و این صفات با آن که قرآن در آسمان (بیت العزّة یا بیت المعمور) باشد، سازش ندارد. زیرا چنان قرآنی، آن هم در آسمان، چگونه هدایت گر مردم خواهد بود؟

با توجه به بیانات فوق، نمی توان نزول دفعی قرآن را پذیرفت. زیرا در آیات قرآن، افرادی مورد خطاب قرار گرفته

اند، که در هنگام خطاب، حضور نداشته اند. در قرآن، آیات ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید، مبهم و مبین، بسیار است، که مقتضای این موارد، تأخیر زمانی برخی از آیات، از برخی دیگر است. هم چنین، در برخی از روایات، نظیر: روایات مربوط به اصحاب کهف و مسئله ظهار آمده است: گاه مردم اموری را از پیامبر سؤال می کردند و آن حضرت می فرمود: در این زمینه به من چیزی وحی نشده است، لذا در انتظار بمانید تا خداوند درباره آن به من آیاتی را وحی کند.

صریح آیه 32 فرقان: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً...» نزول دفعی آن را رد می کند. بر این اساس، روایاتی که حاکی از نزول دفعی قرآنند، بدلیل مخالفت با صریح این آیه، کنار گذاشته می شوند. شیخ مفید در پاسخ به ادعای نزول دفعی قرآن می گوید: این سخن، مضمون خبر واحدی است که نه موجب علم و نه موجب عمل است. این که قسمتی از قرآن به دنبال اسباب نزولی که حادث می شوند، نازل گشته است برخلاف مضمون حدیث مزبور دلالت دارد. زیرا این گونه آیات، مشتمل است بر حکم آن حوادث و ذکر آنچه اتفاق افتاده است و این ممکن نیست، مگر اینکه نزول این آیات، بعد از تحقق اسباب نزول باشد. در بیان دیدگاه نزول تدریجی، ابتدا، ذکر یک مثال خالی از فایده نیست. اگر شخصی که مشغول حفر قناتی است، هنگامی که آب قنات بیرون می آید، بگوید: آب قنات روز جمعه بیرون آمد، آیا معنای این سخن او این است که همه آب قنات روز جمعه بیرون آمد؟ یا اینکه در عرف زبان و محاورات عقلاً و عموم مردم می گویند: یعنی شروع خروج آب، روز جمعه بوده است. بنابراین وقتی خداوند می فرماید: «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.» یعنی شروع نزول قرآن در شب قدر بوده است.

دلایل دیدگاه نزول تدریجی

1. تصریح قرآن: آیه شریفه «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً...» (فرقان / 32)؛ خداوند در پاسخ سؤال کافران که پرسیدند: چرا قرآن بر رسول خدا به طور یکجا نازل نشد، در مقام انکار برنیامد و نفرمود: چنین نیست و قرآن به طور یکجا نیز بر رسول خدا نازل شده است؛ بلکه در مقام اثبات برآمد و فرمود: همان طور است که می گوئید؛ قرآن به طور دفعی نازل نشده است.
2. مضامین قرآن: از ظاهر برخی از آیات (آیه سؤال از اصحاب کهف: 23 و 24؛ آیه تغییر قبله: بقره / 144؛ و آیه ظهار: مجادله / 2) چنین حاصل می شود که پیامبر حکم برخی از امور و پاسخ بعضی از سؤالات را نمی دانستند؛ لذا منتظر نزول آیاتی درباره آن ها می شدند. بدیهی است که اگر قبلاً کل قرآن بر آن حضرت نازل شده بود، چنین انتظاری معنا نداشت.

حکمت و آثار نزول تدریجی قرآن

- الف: قوّت قلب پیامبر: تجدید وحی بر پیامبر موجب دل گرمی آن حضرت می شد و از عوامل ثبات و پایداری ایشان در دعوت و مبارزه به شمار می رفت.
- ب: تأکید بر حقانیت دعوت و پشتیبانی مداوم از پیامبر: ارتباط مستمر به واسطه نزول تدریجی آیات تأیید و تأکید بر دعوت رسالت و موجب آسان شدن تحمّل مشکلات و پایداری در دین می شد.
- ج: مصالح مرتبط با مردم: در مقاطع زمانی و مکانی و متناسب با شرایط فردی، اجتماعی، سیاسی و رویدادهای تاریخی وجود شبهات و پرسش های مخالفان و موافقان و تغییر تدریجی آداب و رسوم و خرافات جاهلی، اقتضا

می کرد که آیات قرآن به مرور نازل شود. و اجرای همزمان احکام و قوانین شرعی برای افرادی که تازه اسلام را پذیرفته اند، سخت و دشوار بود. لذا با نزول تدریجی آن موارد، احکام و قوانین به صورت گام به گام و مرحله ای به اجرا درآمد. فایده دیگر آن امکان حفظ و صیانت از آیات قرآن توسط مردم بود.

د: مصالح مرتبط با قرآن: انسجام و پیوستگی میان آیات قرآن و نبود اختلاف و تعارض به رغم نزول تدریجی آن، کلام الهی و وحیانی بودن آیات و در نهایت، معجزه بودن قرآن را به اثبات می رساند.